



A Review of the Punishment Set forth in the Iranian Anti-Terrorism Financing Act 2018

Samaneh Khanlar Tabat¹, Reza Nasiri Larimi^{*2}

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanity, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

1. Assistant Professor Department of International Law, Faculty of Humanity, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-9

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3618-0934

TELL: +981133033729

Email:

Reza_Nasiri_Larimi@yahoo.com

Article history:

Received: 02 Jun 2023

Revised: 19 Aug 2023

Accepted: 06 Sep 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Terrorism, Financing,
Proportionality of
Punishment.

ABSTRACT

The first anti-terrorism financing law in Iran was passed in 2015 with a delay of several years, but despite the late approval and due to the favorable reforms made by this law in 2018, it can be said that our country has taken a positive step to combat this crime. The proportionality between punishment and crime is one of the components of a balanced criminal system. The logical basis for punishment is one of the basic principles of the criminal justice system and its legitimacy factor. The fundamental question is whether appropriateness in the law against financing has been observed in punishment. By reviewing the law, it was observed that in Article 2 of this Law, a combination of Hadd and Ta'zir punishments is provided as punishment, but the conditions for applying each of them are not stated, which results in different punishments against individuals in similar situations.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Khanlar Tabar, S & Nasiri Larimi, R (2023). "A Review of the Punishment Set forth in the Iranian Anti-Terrorism Financing Act 2018". *Journal of International Criminal Law*, 1(3): 1-9.



دوره اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

بررسی مجازات مندرج در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۳۹۷

سمانه خالرتبار^۱، رضا نصیری لاریمی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

اولین قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در ایران مصوب ۱۳۹۴ است که با تأخیر چندین ساله به تصویب رسید اما علیرغم تصویب دیرهنگام و با عنایت به اصلاحات بجا و مطلوبی که از این قانون در سال ۱۳۹۷ به عمل آمده است می‌توان گفت که کشورمان گام مثبتی برای مبارزه با این جرم برداشته است. تناسب میان مجازات و جرم از لوازم یک نظام کیفری متعادل است. مبنای منطقی برای مجازات از اصول اولیه و بنیادین نظام عدالت کیفری و عامل مشروعیت آن است. سؤال اساسی این است که آیا در قانون مبارزه با تأمین مالی تناسب در مجازات رعایت شده است یا خیر؟ با بررسی قانون مشاهده شد که در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و در ماده دو این قانون، ترکیبی از مجازات‌های حدی و تعزیری به‌عنوان مجازات پیش‌بینی شده ولی شرایط اعمال هر یک از آن‌ها بیان نگردیده است که در نتیجه منجر به اعمال مجازات‌های متفاوت نسبت به افراد در وضعیت‌های مشابه می‌گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹-۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۳۶۱۸-۰۹۳۴

تلفن: +۹۸۱۱۳۳۰۳۳۷۲۹

ایمیل:

Reza_Nasiri_Larimi@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

تروریسم، تأمین مالی، تناسب مجازات.



مقدمه

تروریسم که از ریشه لاتینی «Terror» به معنای ترس و وحشت گرفته شده است و به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کار بستن زور می‌خواهند به هدف‌های خود برسند. یکی از مهم‌ترین دلایل تقویت جریان‌های تروریستی در جهان، تداوم تأمین منابع مالی مورد نیاز آن‌ها از طرق مختلف است که با رساندن وجوه به این گروه‌ها موجب تداوم اعمالشان و ادامه چرخه حیاتشان می‌گردند؛ لذا در دنیای امروز که کشورها به دلیل تکنولوژی و نیازمندی‌های متقابل به یکدیگر وابسته می‌باشند و اقدام تروریستی در یک کشور می‌تواند در چندین کشور دیگر نیز آثاری به جای بگذارد، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی وارد عرصه قانون‌گذاری در این خصوص شده‌اند. اولین قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در کشورمان مصوب ۱۳۹۴ می‌باشد که با تأخیر چندین ساله به تصویب رسید اما علیرغم تصویب دیر هنگام و با عنایت به اصلاحات بجا و مطلوبی که از این قانون در سال ۱۳۹۷ به عمل آمده است می‌توان گفت که کشورمان گام مثبتی برای مبارزه با این جرم برداشته است. علیرغم نکات مثبتی که قانون دارد و از بسیاری جهات مطابق با اسناد بین‌المللی علی‌الخصوص کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ می‌باشد، در برخی از مواد دارای ایراداتی نیز هست؛ به‌ویژه اینکه در ماده ۲ این قانون که بدون رعایت اصل تناسب مجازات‌ها و تعیین شرایط اعمال مجازات، دو نوع مجازات حدی یعنی محاربه و افساد فی‌الارض را مقرر نموده است. لذا در این مجال با روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی مجازات مقرر در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم خواهیم پرداخت.

قانونگذار از ماده ۲ تا ۸ در ضمن چندین ماده به مجازات‌های مقرر پرداخته است. ماده ۲ قانون فوق‌الذکر به عنوان عنصر قانونی مجازات تأمین مالی می‌گوید: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی‌الارض تلقی شود، مرتکب

به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین‌شده محکوم می‌شود.» بنابر این ماده برای اعمال مجازات شروطی مقرر شده است و مستلزم بررسی چند جنبه قضای رسیدگی‌کننده می‌باشد که ابتدائاً می‌بایست بررسی نماید آیا تأمین مالی در حکم محاربه بوده است یا خیر؟ آیا تأمین مالی افساد فی‌الارض بوده است یا خیر؟ و در صورتی که بنا به تشخیص قضای هیچکدام از این جرایم نباشد، حبس دو تا پنجسال و جزای نقدی و مصادره اموال مجازات مرتکب می‌باشد.

۱- بررسی ارتباط جرم تأمین مالی تروریسم و جرم محاربه

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، مقنن محاربه و افساد فی‌الارض را ذیل یک ماده قانونی قرار داده بود اما در قانون جدید مجازات اسلامی این دو عنوان نه تنها ذیل دو ماده که ذیل دو فصل جداگانه مطرح گردیده است. اولین ماده از فصل هشتم، یعنی ماده ۲۷۹، در تعریف محاربه مقرر می‌دارد: «محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم با ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد ...» جرم محاربه برگرفته از آیه ۳۳ سوره مائده است که می‌فرماید «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی‌الارض فسادا ان یقتلوا أو یصلبوا أو تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف، او ینفوا من الأرض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم» عنصر قانونی جرم محاربه ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی است که در بالا بدان اشاره شده است (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۵۲)

۱-۱-۱- اجزای جرم

۱-۱-۱- رکن مادی: رکن مادی جرم دارای اجزایی چون عمل مرتکب، وسیله جرم، موضوع جرم، نتیجه مجرمانه و رابطه علیت است که به آن می‌پردازیم:

- عمل مرتکب: عبارت است از دست به اسلحه بردن. قطعاً صرف خرید اسلحه یا آماده کردن آن برای تحقق جرم کافی

۱-۱-۲- رکن روانی (معنوی): سوءنیت عام عبارت است از اراده آزاد مرتکب برای انجام عمل مجرمانه که همان برکشیدن سلاح است و در سوءنیت خاص که تعلق اراده مرتکب به نتیجه مجرمانه است، عبارت می‌باشد از ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم که اگر چنین هدفی وجود نداشته باشد جرم محقق نمی‌گردد کما این که در ماده ۲۸۰ اشاره شده که فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان دست به اسلحه ببرند محارب نمی‌باشند. (پور بافرانی، ۱۳۹۱: ۶۹)

۱-۲-۲- تطبیق جرم محاربه بر تأمین مالی تروریسم
برای محارب تلقی نمودن فرد، برکشیدن سلاح واقعی اعم از پر یا خالی علیه یک جمعیت مردم باهدف ارباب آن‌ها ضروری می‌باشد هرچند که فرد از سلاح نیز استفاده عملی ننموده باشد اما همین که با نشان دادن آن بدانند که مردم از آن می‌ترسند و عملاً هم بترسند هرچند یک نفر، برای تحقق جرم کفایت می‌نماید درحالی که در تأمین مالی اصلاً نیازی به دست به اسلحه بردن و ترساندن مردم نمی‌باشد بلکه برعکس، تأمین کنندگان سعی در اختفاء عمل خود می‌نمایند و بیشتر در قالب پولشویی به پیشبرد مقاصد خود اقدام می‌نمایند. از سوی دیگر، بر فرض که بتوان تجانس میان تأمین مالی و محاربه برقرار نمود، کدام یک از مجازات‌های چهارگانه اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد را اعمال نماییم؟ آیا بنا به صراحت ماده ۲۸۳ که اختیار را در دست قاضی نهاده است، ما نیز بایستی قاضی را مخیر نماییم و نتیجه این می‌شود که یک تأمین کننده درجایی اعدام و در جای دیگر به نفی بلد محکوم می‌گردد.

در پاسخ برخی قائل به این گردیدند که در ماده ۲ به لفظ «در حکم» اشاره نموده است؛ یعنی قانون‌گذار هم می‌دانسته که این جرم حدی نیست اما صرفاً خواسته با توجه به گستردگی عمل مجرمانه، مجازات شدید را برای مرتکب قائل شود تا موجب بازدارندگی نزد مجرم گردد. جرایم در حکم محاربه کدامند؟ از نظر ماهوی مشابه جرم اصلی اند یا خیر؟ آیا تمامی

نمی‌باشد بلکه مجرم بایستی سلاح را بر روی مردم بکشد و مردم سلاح او را ببینند (آقای‌نیا و رستمی، ۱۴۰۱: ۴۱).

- وسیله جرم: درخصوص معنای سلاح نیز تفاسیر متعددی بیان شده که برخی اسلحه را محدود به سلاح آهنی دانسته‌اند؛ برخی دیگر تنها سنگ، چوب و عصا را نیز در زمره سلاح قرار داده‌اند. برخی دیگر از فقها به کار گرفتن زور و غلبه و استفاده از قدرت بدنی را نیز برای صدق عنوان سلاح کافی می‌دانند. (درگاهی‌خو و احمدی، ۱۳۹۵: ۲۹۹) و از نظر برخی حقوق‌دانان منظور از سلاح چیزی است که برای نزاع و جنگیدن به کار می‌رود و معنای آن متناسب با زمان و مکان در حال تغییر است. لذا باید برداشت عرف از سلاح مدنظر قرار گیرد که عرف سلاح را اعم از سرد و گرم می‌داند. لذا اعمالی مانند اسیدپاشی، آتش زدن با ابزارهایی مانند سنگ، بیل، داس یا چوب را نمی‌توان اسلحه دانست. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۹)

- موضوع جرم: آن چیزی است که جرم روی آن واقع می‌شود. محاربه یکی از مصادیق بارز جرایم علیه امنیت داخلی است. لذا موضوع آن هم امنیت کشور است. لیکن این امنیت پیش از آن که ناظر به امنیت دولت باشد ناظر به امنیت عمومی مردم است. مقابله با حکومت اسلامی در قلمرو جرم بغی قرار می‌گیرد، درحالی که در جرم محاربه اخلال در امنیت مردم ایجاد می‌شود، صرف‌نظر از دولت حاکمه.

- نتیجه جرم: در جرم محاربه نتیجه جرم عبارت از «ایجاد رعب، هراس و سلب آزادی و امنیت مردم» است. جرم محاربه را از جرایم مقید به شمار آورد. در ماده ۲۷۹ با آوردن «موجب ناامنی در محیط شود» دلالت بر مقید بودن جرم می‌نماید؛ علاوه بر آن نیز بخش انتهایی ماده ۲۷۹ مقید بودن جرم قابل استنباط است که می‌گوید «...کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود محارب نیست.»

وسایل مجرمانه می‌باشد را با هم در یک قلمرو و تحت یک مجازات قرار داد. جرمی که در جهت ارتکاب جرم اصلی تروریسم بوده و جرم اصلی تاکنون دارای مجازات نمی‌باشد؛ درحالی که می‌بایست بین مجرمین اصلی و معاونین جرایم تفاوتی قائل گردیم تا بازدارندگی مدنظر حقوق جزا ایجاد شود چرا که قاعده‌تاً وقتی مجازات تأمین‌کننده، اعدام است بلاشک و قطعاً مجازات مرتکب عمل تروریستی (در صورت تدوین) نیز اعدام خواهد بود. در شرایط مساوی چه ضمانتی وجود دارد که معاون با در نظر گرفتن مجازات مباشر و مقایسه خود با وی، راه مجرمانه را تا به آخر نیپموده و خود وارد وادی اعمال تروریستی نگردد.

۲- بررسی ارتباط جرم تأمین مالی تروریسم و افساد فی‌الارض

عنصر قانونی جرم افساد فی‌الارض، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که راه‌های تحقق این جرم را در گستره وسیعی از جرایم پیش‌بینی نموده است. بر اساس ماده: «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیعی گردد، مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. در ادامه تبصره این ماده مقرر می‌دارد: هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد، قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.»

آثار و احکام جرم اصلی به آنها تعمیم داده می‌شود؟ و یا صرفاً مجازات جرم مزبور به آنها تسری پیدا می‌کند؟ حقوقدانان و مجریان قانون پاسخ‌های متفاوتی به سؤالات فوق داده‌اند اما عمدتاً بر این نظر متفق‌القول هستند که هدف غایی قانون‌گذار از توسل به این اصطلاح، تعمیم تمامی آثار و احکام یک موضوع حقوقی به موضوع حقوقی دیگر بر اساس مناسبت مشترک بین آنهاست. «در حکم» در حقیقت یک اصطلاح متداول عرفی است که مفهوم عبارت است از: «الحاق موضوعی به موضوع دیگر از حیث احکام و آثار به واسطه وجود مناسبت مشترک». اگرچه درخصوص گستره الحاق و تعمیم اختلاف نظر وجود دارد و بعضی تعمیم حکم را صرفاً ناظر به مجازات جرم اصلی به فرعی دانسته و دیگران به تعمیم تمامی احکام و آثار تأکید می‌ورزند، اما ظهور لفظ و اطلاق و عموم آن به‌ویژه الزام قاعده تبعیت فرع از اصل و دلالت التزامی و رویه قضایی و نظر حقوقدانان عموماً به تعمیم تمامی آثار و احکام تنظیری جرم اصلی به فرعی تأکید می‌ورزند؛ بدان دلیل که در این‌گونه موارد، درحقیقت دخول در مصادیق و موضوع حکم مراد می‌باشد از این نظر می‌توان بهره برد و قائل بود درخصوص جرایم «در حکم» نیز تمامی احکام و آثار جرم اصلی به جرایم «در حکم» آن تعمیم پیدا می‌کند.

مقنن جمهوری اسلامی با اتخاذ رویه‌ای پر ایراد و انتقاد، اقدام به بدعتی در امر قانون‌گذاری کرده است از جرایم متعددی را که هیچ شباهت ماهوی به جرم حدی ندارند «در حکم» قلمداد کرده و مرتکبین آنها را مستوجب مجازات سنگین حدی دانسته است. این جرایم گرچه با جرایم اصلی دارای شباهت‌هایی هستند، اما بسیاری از آن‌ها به واسطه وجود وجوه افتراق فراوان و در مخالفت با اصول و مبانی منقن فقه و حقوق عرفی، هرگز از مصادیق جرایم حدی و یا حتی در حکم آن محسوب نمی‌شوند؛ لذا نمی‌توان جرایم حدی با مجازات‌های بسیار سنگین را با جرم تعزیری تأمین مالی که خود نوعی معاونت در جرم و در حکم تهیه و تدارک

۱-۲- اجزای جرم

۱-۱-۲- رکن مادی: عنصر مادی جرم افساد فی الارض دارای اجزایی چون عمل مرتکب، وسیله جرم، موضوع جرم و نتیجه مجرمانه است که به آن می‌پردازیم:

۱-۱-۱-۲- عمل مرتکب: با توجه به مصادیق مجرمانه مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. تحقق جرم افساد فی الارض در اغلب موارد صرفاً از طریق ارتکاب فعل مادی خارجی امکان‌پذیر است. به صراحت ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، امکان تحقق جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی از طریق ترک وظیفه خاصی که قانون بر عهده فرد نهاده یا خود انجام آن را بر عهده گرفته است، به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین تنها در صورتی که ارتکاب جرم افساد فی الارض از طریق جنایت گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد باشد، امکان تحقق آن از طریق ترک فعل امکان‌پذیر است. (آقای‌نیا و رستمی، ۱۴۰۱: ۵۸) با توجه به منطوق ماده ۲۸۶، قانون‌گذار در رابطه با رکن مادی بیش از هر چیز به گستردگی اقدامات مرتکب و وسعت نتایج زیان‌بار حاصله توجه داشته است و اوصاف مذکور نقش اساسی و محوری در ساختار جرم افساد فی الارض ایفا می‌نماید؛ که در ذیل به بررسی چگونگی رفتار مادی می‌پردازیم:

- تکرار و تعدد عمل مجرمانه: در ابتدای ماده واژه «به‌طور گسترده» وجود دارد که حکایت از کمیت ارتکاب جرم می‌نماید. گسترده در لغت به معنای «پهن کردن» و «پهن شده» (معین/ذیل کلمه) است. آنچه از عبارت «به‌طور گسترده» در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. به دلالت قرینه موقعیت، تناسب حکم و موضوع و نیز سبک و سیاق ماده استنباط می‌شود، تعدد و تکرار مصادیق رفتارهای مجرمانه است. درواقع، وصف گسترده، قیدی برای رفتار و ناظر به کمیت ارتکاب افعال مجرمانه است و به کیفیت نتایج حاصله آن که در فراز پایانی ماده ۲۸۶ به آن اشاره‌شده، ارتباطی ندارد.

- وسعت دامنه نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه: وسیع و عمده که در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. به‌عنوان اوصاف نتایج جرم افساد فی الارض ذکر شده است. در لغت به ترتیب به معنای «فراخ»، «برجسته و بسیار از هر چیزی» است (معین/ ذیل کلمه). هرچند قانون‌گذار تعریف مشخصی از این اوصاف ارائه ننموده است لکن اداره حقوقی قوه تعیین و تشخیص مصادیق منطبق با قید «عمده» را برعهده قاضی رسیدگی‌کننده دانسته است. قیود مزبور و نیز عبارت «به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی و ...» در فراز پایانی ماده ۲۸۶ ق.م.ا. مرتبط با رکن مادی بوده و حکایت از شرط لازم و ضروری وسعت قلمرو آثار زیان‌بار مستقیم، به‌عنوان نتیجه رفتار مجرمانه برای جرم افساد فی الارض به‌عنوان یک جرم مقید دارد. صرف تعدد و تکرار افعال مجرمانه، لزوماً به مفهوم تحقق آثار و نتایج مذکور نخواهد بود، بلکه وسعت قلمرو نتایج زیان‌بار افعال مجرمانه، مستقل از شرط تعدد و تکرار افعال مجرمانه و متأثر از مؤلفه‌هایی چون ترتیب زمانی و محل ارتکاب جرایم قابل‌شناسایی است؛ بنابراین چنانچه فرد جرایمی همچون تخریب، احراق، ایراد ضرب و جرح عمدی و نشر اکاذیب را با فاصله‌های زمانی از یکدیگر به ترتیب در سال‌های مختلف مرتکب شود، هرچند شرط گسترده بودن به معنای تعدد افعال مجرمانه وجود دارد، لکن انقطاع و گذشت زمان نسبتاً طولانی در ارتکاب هر یک از افعال مجرمانه مانع از تحقق وسعت افعال مجرمانه خواهد شد. قلمرو این آثار، بیش از هر چیز حاصل انگاره ذهنی شهروندان و بازتاب افکار عمومی جامعه است که در فرض بالا آثار و تبعات منفی هر یک از جرایم در اذهان و افکار عمومی جامعه، پیش از ارتکاب جرم یا جرایم بعدی محوشده و حساسیت جامعه و شهروندان از بین رفته است و درواقع در چنین شرایطی آثار و نتایج فوق محقق نشده است.

۱-۱-۲- موضوع جرم: یعنی چیزی که جرم بر آن واقع می‌شود که در این ماده به‌صورت حصر و متعدد به آن‌ها اشاره‌شده است. از میان مصادیق، مرتبط‌ترین آن‌ها با بحث ما،

اخلال در نظام اقتصادی کشور است که دربرگیرنده جرایمی می‌باشند که در قوانین خاص ازجمله قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سایر قوانین مشابه درخصوص نظام اقتصادی و کاهش آسیب‌های اقتصادی تدوین شده‌اند.

۲-۱-۱-۳- وسیله جرم: در این ماده وسیله خاصی برای صدق عنوان جرم تعیین نشده است و مصادیق متعدد جرم از ابزارهایی چون سلاح در جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد گرفته تا صرف دایر کردن مراکز فساد متعدد می‌باشند.

۲-۱-۱-۲- نتیجه جرم: برخلاف جرایم مطلق که نیازی به نتیجه مجرمانه ندارند، جرایم مقید نیازمند نتیجه می‌باشند و ماده ۲۸۶ که در قسمت انتهایی «به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع گردد...» را برای بیان نتیجه جرم معین نموده است که البته بایستی به‌صورت عمده و در حد وسیع از لحاظ کیفیت باشد.

۲-۱-۲- رکن روانی: شامل سوءنیت عام در انجام عمل مجرمانه که همان علم و عمد مرتکب در انجام عمل است و سوءنیت خاص که هدف اصلی مرتکب از انجام عمل است که صراحتاً در تبصره ماده ۲۸۶ اشاره شده که در صورت عدم احراز قصد خاص مرتکب نوع مجازات ارتكابی متفاوت خواهد بود (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۱۴۵/۱).

۲-۲- تطبیق جرم افساد فی‌الارض بر تأمین مالی تروریسم
برای مفسد تلقی شدن فرد بایستی جرایم انحصاری ماده به‌صورت گسترده و در حد وسیع و عمده باهدف و علم به مؤثر بودن اقداماتش در ایجاد ناامنی و اخلال گسترده در نظم و یا اشاعه فساد و فحشا انجام گیرد، فارغ از نوع وسیله ارتکاب جرم؛ بنابراین، افساد فی‌الارض که خود جرم خاصی نیست، بلکه ارتکاب گسترده یک سری اعمال در سطح عمده و وسیع است. حال اینکه اعمالی چون جنایات علیه تمامیت

جسمانی افراد، نشر اکاذیب، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک چگونه می‌توانند راهی برای تأمین‌کننده مالی جهت کسب پول تلقی گردند، جای تأمل دارد. مثلاً این که چگونه یک تأمین‌کننده مالی با ایراد جنایت عمدی به اشخاص یا با اشاعه اکاذیب یا پخش مواد سمی بتواند تروریست را تأمین مالی نماید تا حدودی دور از ذهن می‌نماید و از سوی دیگر با توجه به ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که به برخی از منافع مالی مکتسبه از راه‌هایی چون قاچاق ارز، اعانه و... اشاره نموده است نمی‌توان این دسته اعمال را در زمره راه‌های تأمین مالی مرتکب تلقی نمود؛ اما درخصوص سایر مصادیق مانند اخلال در نظام اقتصادی کشور و یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا شاید بتوان تصور این جرم را نمود؛ اما ارتکاب همین جرایم نیز به‌دلیل عدم اعلام ضابطه معین و تعیین حجم وسعت آن امری سلیقه‌ای و در اختیار قضات قرار داده شده است تا جایی که خود مجرم مفسد فی‌الارض نیز در وضعیت ثابتی قرار نداشته و ممکن است یک قاضی عملش را افساد و مستحق اعدام و قاضی دیگری ضابطه گستردگی را احراز ننموده و فرد را از مجازات اعدام برهاند. حال چگونه قانون‌گذار می‌تواند مجازات یک جرم تعزیری را به جرایم حدی که دارای شرایط و ضوابط مختص به خود بوده سرایت دهد، جای تأمل دارد.

۳- بررسی مجازات حبس تعزیری ماده دو

مقنن در انتهای ماده ۲ قانون مارالذکر آورده است: «در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین‌شده محکوم می‌شود». فلذا مجازات دیگری از جنس تعزیر که در مقایسه با صدر ماده (مجازات سلب حیات) بسیار ناچیز است نیز اضافه شده است. اگر از تغییر نظر قانون‌گذار از جرم حدی به جرم تعزیری چشم‌پوشیم، این که در مانحن فیه عدم تناسب فاحش وجود دارد را نمی‌توان نادیده انگاشت؛ یعنی دو مجرم در شرایط یکسان که هدفی جز رساندن منابع مالی به عملیات تروریستی نداشتند، یکی‌شان به‌دلیل این که

انجام گرفته است. نظر به اهمیت ممنوع بودن هرگونه حمایت مالی از تروریست‌ها قواعد و مقررات موجود در مبارزه با تأمین مالی تروریسم مسئولیت و وظایفی را برای دولت‌ها جهت جلوگیری از این اقدام به همراه داشته است که به موجب کنوانسیون‌ها و توصیه‌های بین‌المللی کشورها مکلف به قانون‌گذاری و مبارزه با تأمین مالی تروریسم گردیدند که کشور ما نیز برای نخستین بار در سال ۱۳۹۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را به تصویب رساند اما به دلیل عدم پذیرش آن از سوی سازمان‌های بین‌المللی در تعاریف به کار گرفته شده در این قانون در سال ۱۳۹۷ مجدداً قانون مذکور مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفت که انصافاً در برخی از مواد که دارای ایرادات اساسی بود، رفع ایراد گردید اما درخصوص مجازات صرفاً اسناد بین‌المللی، کشورها را ملزم به قانون‌گذاری و رعایت تناسب مجازات با عمل مرتکبین نموده‌اند و به میزان و چگونگی آن اشاره‌ای ننموده‌اند. در ایران ماده ۲ قانون مذکور که عنصر قانونی مجازات را شامل می‌شود بدون اینکه مجازات صریحی را بیان دارد، مجازات را با تشخیص قاضی میان دو جرم حدی محاربه و افساد فی‌الارض قرار داده است درحالی‌که اگر به این مصادیق این دو جرم نظر بیفکنیم، نمی‌توانیم ارتباطی بین محاربه و افساد فی‌الارض و جرم تأمین مالی ببینیم. صرف‌نظر از این عدم تطابق، مجازات‌های این دو جرم حدی نیز متفاوت می‌باشند؛ بدان صورت که در جرم محاربه، قاضی مخیر است در اعمال چهار مجازات و در جرم افساد فی‌الارض تنها مجازات اعدام وجود دارد. این‌گونه قانون‌نویسی و عدم صراحت در بیان مجازات قابل ایراد به نظر می‌رسد و اگر قرار بود که به‌عنوان جرم حدی با این جرم برخورد گردد، شایسته بود به‌صورت صریح آن را در حکم جرم حدی دانسته و صرفاً یک مجازات در نظر گرفته می‌شد تا عدالت میان مرتکبین جرم رعایت می‌گردید.

قاضی پرونده عمل او را حائز عنوان گستردگی (مثلاً با تکرار دومین بار جرم) دانست به‌عنوان مفسد فی‌الارض به اعدام محکوم می‌گردد و دیگری به دلیل این که حتی در صورت تکرار عمل مجرمانه برای دومین بار نیز، قاضی گستردگی را احراز ننمود، به مجازات حبس متغیر که از دو سال و یک روز تا نهایت ۵ سال خواهد بود محکوم می‌گردد؛ یعنی یکی باید بمیرد و دیگری باید به زندان برود.

از نظر نگارنده نمی‌توان تأمین مالی را محاربه یا در حکم آن دانست؛ درخصوص مجازات جزای نقدی، نقدی نیست اما درخصوص مصادره اموال و وجوه، کدام وجوه و اموال را در نظر داشته؟ اموالی که برای ارتکاب جرم مصرف شده یا اموالی که از راه مجرمانه کسب شده است؟ همان‌گونه که می‌دانیم مصادره اموال به دو صورت عام و خاص است. مصادره عام، توقیف تمام اموال موجود محکوم‌علیه اعم از نقدی و غیر نقدی، منقول و غیرمنقول است. مصادره اموال بزه‌کاران به‌ویژه کسانی که از راه نامشروع به ثروت‌های کلان دست‌یافته‌اند مجازاتی مؤثر و عادلانه است؛ اما آثار محکومیت به شخص محکوم‌علیه عموماً محدود نمی‌ماند بلکه خانواده او و کسان دیگر را نیز متأثر می‌سازد. مصادره خاص عبارت است از مالکیت دولت بر بخشی از اموال که گاه موضوع جرم، گاه محصول جرم و گاه ابزار و آلت جرم به شمار می‌آید. (مؤیدی، ۱۳۸۶: ۱۳) با توجه به ماده ۵ همین قانون که اسباب و لوازم استفاده یا تخصیص داده‌شده یا عواید حاصل از جرم که با اموال قانونی امتزاج یافته را تا میزان تخمین زده‌شده در نظر گرفته، به نظر مصادره خاص مقصود ماده دو بوده است.

نتیجه‌گیری

هرجا بحث تروریسم مطرح بوده بحث حمایت مالی از آن نیز وجود داشته است، از این‌رو حمایت مالی از تروریسم تاریخچه‌ای جدا از تاریخچه تروریسم ندارد. تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم، بخشی از تلاش‌های کلی‌تری بوده‌اند که برای مقابله با تروریسم

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی. جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

- پور بافرانی، حسن (۱۳۹۱). «تحلیل جرم محاربه». نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، ۱(۴): ۷۸-۴۹.

- درگاهی‌خو، حمید و احمدی، امین (۱۳۹۵). شرح جامع قانون مجازات اسلامی. چاپ سوم، تهران: نشر آرمانسا.

- معین، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات میلاد.

- مؤیدی، محمد صالح (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی سه؛ واکنش اجتماعی علیه پدیده مجرمانه. جزوه کلاسی.

- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. چلپ بیست و یکم، تهران: نشر میزان.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- آقای‌نیا، حسین و رستمی، هادی (۱۴۰۱). جرایم علیه مصالح عمومی کشور. چاپ دوم، تهران: میزان.